



Legitimate Defense and the Principle of Non-Aggression: Permissibility or Prohibition of the Use of Weapons of Mass Destruction from the Perspective of the Quran and International Law *

Hamid Reza Toosi^۱ and Ali Ahmad Karimi^۲

Abstract



In contemporary times, the threat posed by weapons of mass destruction looms over humanity. The absence of a universally ratified law prohibiting the use of such weapons has driven international law advocates to seek remedies. This article employs a comparative methodology to describe and analyze the viewpoints of the Quran and international law regarding the theory of prohibiting the use of weapons of mass destruction. Through this comparative analysis, it becomes evident that the principle of non-aggression in the Quranic school and the principle of non-intervention in international law stand as some of the strongest arguments against the use of weapons of mass destruction. The prohibition of resorting to force binds nations to abstain from using any weaponry against others. Similarly, in the context of justifiable defense, the observance of proportionality and necessity is obligatory. However, the use of weapons of mass destruction inherently violates these criteria. Both the Quran and international law recognize the customary prohibition of using weapons of mass destruction in the realm of legitimate defense. However, according to the view of the Quran and Islamic jurisprudence, the use of weapons of mass destruction is not permissible even under such circumstances.

Keywords: Weapons of Mass Destruction, Quran, International Law, Non-Aggression, Non-Intervention, Legitimate Defense.

*. **Date of Receiving:** ۲۴ May ۲۰۲۲, **Date of Approving:** ۲۴ November ۲۰۲۲.

^۱. Assistant Professor at Al-Mustafa International University, Qom: (hrtoosi۱۲۳@gmail.com).

^۲. Ph.D. Graduate from the Higher Educational Complex of Quran and Hadith Studies Al-Mustafa International University, Qom, From Afghanistan, [Corresponding Author]: (aakarimi۳۷۳۶@gmail.com).



جواز یا منع استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی از دیدگاه قرآن و حقوق

بین الملل *

حمیدرضا طوسی^۱ و علی احمد کریمی^۲



چکیده

امروزه خطر سلاح‌های کشتار جمعی بشر را تهدید می‌کند. نبود قانون مصوب در ممنوعیت استفاده از این‌گونه سلاح‌ها فعالان حقوق بین‌الملل را بر آن داشته است تا راه چاره‌ای بیابند. در این مقاله با روش‌شناسی مقایسه‌ای به توصیف و تحلیل دو دیدگاه قرآن و حقوق بین‌الملل در خصوص نظریه منع استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی می‌پردازیم. از مقایسه این دو دیدگاه درمی‌یابیم که قاعده منع اعتداء در مکتب قرآن و قاعده منع تجاوز در حقوق بین‌الملل به‌عنوان یکی از بهترین ادله در ممنوعیت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی شناخته شده‌اند. منع توسل به زور کشورها را ملزم می‌دارد که از هیچ‌گونه سلاحی بر علیه دیگران استفاده نکنند. در مقام دفاع مشروع نیز رعایت تناسب و ضرورت الزامی است. حال آنکه با استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی رعایت این دو ممکن نیست. قرآن و حقوق بین‌الملل عرفی در ممنوعیت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی در مقام دفاع مشروع هم‌نظر هستند؛ اما در حقوق بین‌الملل همان‌طور که دیوان بین‌المللی دادگستری بیان می‌کند نمی‌توان مانع استفاده از سلاح هسته‌ای توسط کشوری شد که بقایش در گرو استفاده از آن است؛ اما دیدگاه قرآن و فقه اسلامی استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی را حتی در چنین شرایطی نیز جایز نمی‌داند.

کلیدواژگان: سلاح‌های کشتار جمعی، قرآن، حقوق بین‌الملل، منع تجاوز، منع اعتداء، دفاع مشروع.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۳ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۹/۰۳.

۱. استادیار جامعه المصطفی ص العالمیه قم، ایران؛ (hrtoosi1۲۳@gmail.com).

۲. فارغ التحصیل دکتری مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی ص العالمیه، قم، ایران، از کشور افغانستان، «نویسنده مسئول»؛ (aakarimi۳۷۳۶@gmail.com).



۱. مقدمه

امروزه خطر استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی بشریت را تهدید می‌کند. سلاح‌های کشتار جمعی که شامل سلاح‌های هسته‌ای، بیولوژیک، رادیولوژیک و شیمیایی هستند، دارای ویژگی قدرت تخریب و صدمه فوق‌العاده و حجم تلفات بالا بوده، به‌هیچ‌عنوان امکان محدودیت در بستر زمان و مکان و از لحاظ زیست‌محیطی را ندارند.

از دیگر سو توسل به زور، عمری به درازای تاریخ جوامع انسانی دارد و تحولی از آزادی و تقدیس تا ممنوعیت را پشت سر گذاشته است. استفاده از زور با توجه به موقعیت طرف‌های اختلاف از راه‌های متفاوت و به درجات مختلف رخ می‌دهد. بیشترین درجه استفاده از زور، در جنگ اتفاق می‌افتد و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی شدیدترین نوع برخورد در جنگ است.

مصائب ناشی از جنگ‌های گذشته انسان‌ها را بر آن داشته که همواره در تلاش برای جلوگیری از جنگ باشند. طرح جنگ عادلانه (Just War) که نخستین بار توسط سنت آگوستین مطرح شد (Malanczuk, Akehurst's Modern Introduction to International Law, ۱۹۹۷, p.۳۰۶)، تا حدودی توانست مانع از توسل نامحدود به جنگ شود. برگزاری دو اجلاس صلح لاهه در ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ که در آنها توافقاتی در زمینه جلوگیری از جنگ از طریق میانجی‌گری و داوری، تدوین معاهداتی در خصوص حقوق جنگ و بی‌طرفی صورت گرفت، تلاش‌های بعدی این مسیر بودند. در سال ۱۹۱۹ اجلاس صلح پاریس منجر به تشکیل جامعه ملل گردید. از اهداف اصلی این سازمان «ترویج همکاری‌های بین‌المللی و تأمین صلح و امنیت بین‌المللی» بود؛ اما مهم‌ترین ضعف جامعه ملل که نهایتاً به یکی از دلایل اصلی فروپاشی آن بدل گردید، عدم ممنوعیت جنگ و توسل به زور بود. تلاش‌ها برای پرکردن این خلأ در میثاق مذکور به منظور ممنوعیت کامل جنگ ادامه یافت تا اینکه پیمان عمومی‌ای برای کنارگذاشتن و ترک جنگ یا پیمان بریان - کلوگ در سال ۱۹۲۸ امضا گردید و کشورهای بسیاری به آن پیوستند (ibid, p.۳۰۸). هرچند که این پیمان مانع وقوع جنگ جهانی دوم نشد؛ اما سازمان ملل متحد بر اساس تجربه جامعه ملل و همین پیمان تأسیس شد. پیدایش منشور سازمان ملل یک تحول مهم و قانونی در این زمینه ایجاد کرد.

منشور در بند ۱ ماده ۱ هدف اولیه سازمان ملل متحد را «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و به عمل آوردن اقدامات جمعی مؤثر برای جلوگیری و برطرف کردن تهدیدات علیه صلح و متوقف ساختن هرگونه عمل تجاوز یا سایر کارهای ناقض صلح و فراهم آوردن موجبات تعدیل و حل و فصل اختلافات بین‌المللی با شیوه‌های مسالمت‌آمیز و بر طبق اصول عدالت و حقوق بین‌الملل» اعلام می‌کند.

همچنین منشور در بند ۴ ماده ۲ به صراحت اعلام می‌دارد: «کلیه اعضاء در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد ماینت داشته باشد، خودداری خواهند کرد.»

علاوه بر این در معاهدات و کنوانسیون‌های بسیاری در راستای منشور و نیز در رویه قضایی بین‌المللی، قطعنامه‌های سازمان ملل متحد ... به طرح ممنوعیت توسل به زور و جنگ پرداخته شده است. در ظاهر این قواعد از سوی جامعه بین‌المللی کشورها در کل به عنوان قاعده‌ای تخلف‌ناپذیر به رسمیت شناخته شده است و در سلسله مراتب قواعد حقوق بین‌الملل در رأس قرار می‌گیرند و هر قاعده دیگری که مغایر آنها باشد و حتی در رویه و عملکردی که با آنها در تعارض باشد، بی‌اعتبار است (ضیایی بیگدلی، حقوق بین‌الملل عمومی، ۱۳۸۷: ۱۹۲)؛ اما همان‌طور که در ادامه خواهیم گفت تنها منع توسل به زور برای تحقق این هدف کفایت نمی‌کرد، از این رو بود که قاعده منع تجاوز به وجود آمد.

۲. پیشنهاد پژوهش

محمود حکمت‌نیا در مقاله‌ای با عنوان «سلاح‌های کشتار جمعی و مبانی فقهی و حقوقی ممنوعیت استفاده از آنها» سعی دارد مسئله ممنوعیت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی را از منظر فقه و حقوق بین‌الملل مورد بررسی قرار دهد. همان‌طور که از عنوان مقاله پیداست قصد نگارنده نگاه فقهی و بررسی آراء فقیهان است؛ اما مقاله حاضر از دید تفسیری این موضوع را بررسی می‌کند. محمدجواد هاشمی در «بررسی و تحلیل انتقادی ابعاد سلاح‌های کشتار جمعی از منظر اسلام با تأکید بر مبانی اخلاق اسلامی» که موضوع رساله دکترایش بوده است با به چالش کشیدن ادله تجویزکننده در استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی، سعی کرده است که ممنوعیت کاربست این سلاح‌ها را بر اساس مبانی اسلامی بیابد. این رساله نیز از منظر اخلاقی به موضوع نگریسته نه منابع تفسیری. «بررسی فقهی و حقوقی ساخت و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی» پایان‌نامه‌ای به قلم هاجر خان‌به‌بینی است که به دنبال اثبات حرمت ساخت و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی از نگاه فقه و حقوق است، این پایان‌نامه نیز از منظر تفسیری به موضوع پرداخته است. همچنین علیرضا حیدری‌زاد در رساله خود با عنوان «بررسی تطبیقی ممنوعیت تولید و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی در نظام حقوق بشردوستانه بین‌المللی و اسلام» به صورت تطبیقی ممنوعیت تولید و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی را در حقوق بین‌الملل و اسلام اثبات کرده است. او منابعی چون قرآن کریم و سیره نبوی و علوی و آراء فقها را در نظریه اسلامی و کنوانسیون‌های بین‌المللی را در بخش حقوقی به عنوان مؤید فرضیه خود بیان می‌کند. وجه تمایز مقاله حاضر با این رساله بررسی و تحلیل دقیق قاعده منع تجاوز و منع اعتداء است.



۳. سلاح‌های کشتار جمعی

باتوجه به پرمناقشه بودن تعریف سلاح‌های کشتار جمعی و عدم وحدت در تعریف واژه مذکور برخی تعریف کنگره آمریکا را مناسب برای سلاح‌های کشتار جمعی دانسته‌اند: «هر جنگ‌افزار یا وسیله‌ای که استعداد و قابلیت این را دارا باشد که بعد از انداختن و پرتاب، موجب مرگ یا آسیب شدید به شمار درخور توجهی از انسان‌ها بشود و یا اشعه، پرتو رادیواکتیو یا گاز و سم شیمیایی موجودات زنده را دچار مرض و نارضایتی نماید.» (عبدی، بررسی تحلیلی مفهوم سلاح‌های کشتار جمعی و تطبیق آن بر دیدگاه اسلامی با تأکید بر آرای مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای «مدّ ظلّه العالی»، ۱۳۹۷: ۱۰). به سبب اینکه تعریف مذکور، تنها به ورود آسیب‌های مستقیم به موجودات ذی‌نفس اشاره کرده و در قبال آسیب‌های زیست‌محیطی ساکت است؛ شاید بتوان یک تعریف جامع‌تر برای سلاح‌های کشتار جمعی ارائه داد: «سلاح‌های کشتار جمعی، سلاح‌هایی با قدرت انهدام گسترده و جبران‌ناپذیر موجودات زنده و محیط‌زیست، بدون قابلیت تفکیک میان گروه‌های نظامی و غیرنظامی، عدم امکان کنترل و پیش‌بینی نشده هستند که سلاح‌های اتمی (هسته‌ای)، بیولوژیکی و شیمیایی از جمله آنهاست.»

۴. قاعده منع تجاوز (اعتداء)

روشن نبودن مفهوم زور در بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل، مشکلی در این بخش بود، ازاین‌رو مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۴ قطعنامه شماره ۳۳۱۴ را تحت عنوان «قطعنامه تعریف تجاوز» به اتفاق آراء تصویب کرد که باعث به وجود آمدن قاعده منع تجاوز گردید. این قاعده توسل به زور (تجاوز) توسط هر کشوری را بر علیه کشور دیگر از منظر اسناد بین‌المللی از جمله منشور سازمان ملل محکوم می‌کند.

قطعنامه ۱۹۷۴ در تعریف تجاوز می‌گوید: «تجاوز، اعمال زور یک کشور علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی یک کشور یا توسل به اعمالی است که با مقررات منشور مغایرت دارد.» جنگ تجاوزکارانه، جنایتی علیه صلح بین‌المللی است، در نتیجه موجب مسئولیت بین‌المللی می‌شود (ضیایی بیگدلی، حقوق بین‌الملل عمومی، ۱۳۸۷: ۵).

قاعده منع اعتداء از واژه «لا تعتدوا» در قرآن اتخاذ شده است. علامه طباطبایی کلمه (تعتدوا) را از مصدر (اعتدا) دانسته و می‌گوید: اعتدا به معنای بیرون شدن از حد است، وقتی گفته می‌شود: «فلان عدا و یا فلان اعتدی» یعنی فلانی از حد خود تجاوز کرد (طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۶۱/۲). راغب در مفردات، اعتداء را تجاوز از حق، تعریف می‌کند و با تقسیم اعتداء به ابتدایی و مقابله‌ای می‌گوید: اعتدا در آیه ۱۹۴ سوره بقره، یعنی «قابله بحسب اعتدائه و تجاوزوا إلیه بحسب تجاوزه» (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۳۰: ۵۵۴).

در حقوق بین الملل متعلق بحث منع تجاوز مرزهای سیاسی کشورهاست، در حالی که در بحث منع اعتداء در قرآن کریم متعلق بحث مطلق اعتداء است؛ یعنی بسته به شرایط بحث اگر موضوع مرزهای سیاسی یک کشور باشد، منظور از اعتداء تجاوز به مرزهای آن کشور است و اگر موضوع انسانها باشند منع اعتداء در مورد انسانها مصداق پیدا می کند. از آنجا که متعلق بحث اعتداء گسترده است، لازم است در اینجا به مصادیقی از اعتداء اشاره کنیم.

تفاسیر مثله کردن دشمن و قتل زنان، کودکان، سالخوردگان و معاهدان را از مصادیق اعتداء تلقی کرده اند (فیض کاشانی، الصافی فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۵: ۲۲۸؛ راوندی، فقه القرآن فی شرح آیات الأحکام، ۱۴۰۵: ۱۸۸). جوادی آملی در تفسیر «لا تعتدوا» می فرمایند: «عدم ذکر متعلق نهی، نشان می دهد که از هرگونه تجاوز از حق و حکم نهی شده است؛ اعم از آنکه اعتداء نسبت به اشخاص باشد یا درباره نحوه کشتن دشمن و یا تجاوز از قوانین جنگ.» وی جنگ با کسانی که سلاح بر زمین گذاشته اند یا کشتن مجروحان و ناتوانان از نبرد را از مصادیق تجاوز از قوانین و مقررات جنگ می داند (جوادی آملی، تسنیم: تفسیر قرآن کریم، ۱۳۸۵: ۹/ ۲۷۸).

مواردی چون آب بستن بر روی دشمن جهت غرق کردن آنها، کشتن کسانی که اجیر شده اند یا به اجبار در جنگ شرکت کرده اند و کندن و سوزاندن درختان و خانه ها (طوسی، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، ۱۴۰۰: ۱۳۸؛ کلینی، الکافی، ۱۴۲۹: ۲۹) نیز از مصادیق اعتداء است.

قاعده منع اعتداء هم طراز قانون منع تجاوز در حقوق بین الملل است در نتیجه هم دیدگاه حقوق بین الملل و هم دیدگاه قرآن هرگونه تجاوز به دیگران را ممنوع اعلام می دارند، مگر در مقام دفاع مشروع، از این روست که استفاده از سلاح های کشتار جمعی ممنوع گردیده است.

۵. دفاع مشروع

حقوق بین الملل دفاع مشروع (Self-defense) را به عنوان حقی طبیعی می پذیرد و به تابعان خود اجازه می دهد که در مواقع نیاز از این حق استفاده کنند. مقابله به مثل نیز به عنوان یک حق از سوی دکترین حقوق بین الملل مطرح بوده و ماده ۵۱ منشور ملل متحد بر وجود چنین حقی تأکید دارد. قرآن کریم نیز حق دفاع، در مقابل تجاوز صورت گرفته به جان، ناموس، سرزمین و آبروی شخص را از طبیعی ترین و از حقوق اولیه انسانی می داند. مقابله به مثل نیز به عنوان یک قاعده مورد پذیرش قرآن است و در آیاتی چون اعتداء، مقابله به مثل، قصاص و... این حق مورد عنایت قرار گرفته است. حال سؤال این است که نظر حقوق بین الملل و قرآن در استفاده از سلاح های کشتار جمعی در مقام دفاع مشروع و مقابله به مثل چیست؟



برای پاسخ به این پرسش ابتدا لازم است بدانیم منظور از دفاع مشروع چیست؟ در حقوق بین‌الملل برای دفاع مشروع تعاریف مختلفی از سوی حقوقدانان بین‌الملل ارائه شده است، برای مثال: «دفاع مشروع حقی است که کشورها بر اساس آن می‌توانند از خود در مقابل حمله مسلحانه با عکس‌العمل نظامی فوری دفاع نمایند.» (نادری، دفاع مشروع؛ موضوع ماده ۱۵ منشور ملل متحد، ۱۳۵۱: ۵). بر اساس این تعریف هرگاه دولتی علیه دولتی دیگر حمله مسلحانه انجام دهد، دولت مورد حمله بر اساس حقوق بین‌الملل می‌تواند از خود دفاع کند و آثار ناشی از چنین اقدامی، مسئولیتی برای آن دولت پدید نخواهد آورد. نکته قابل ذکر اینکه هرچند تعریف مزبور ناظر به تعریف دفاع مشروع به صورت جمعی است و اشاره به دفاع فردی نداشته است؛ ولی در منشور سازمان ملل متحد هم دفاع فردی و هم دفاع جمعی به رسمیت شناخته شده است. دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق در پرونده کوردیک (Kordic) در تعریف مفهوم دفاع مشروع مقرر کرد «دفاع مشروع ممکن است در سطح وسیع این‌گونه تعریف شود که شخصی از خودش یا مالش یا از شخصی یا مالش علیه حمله‌ای دفاع می‌کند؛ مشروط بر اینکه آن اعمال معقول، لازم و متناسب با حمله (تجاوز) به حساب آیند» (Bantekas and Nash, International Criminal Law, ۲۰۰۳, p. ۱۳۸).

در اصطلاح نظامی گفته‌اند دفاع مشروع عبارت از رد کردن با قوت لازم و مناسب نسبت به تجاوز نامشروعی که یا واقع شده و یا در شرف وقوع است (عبدالطواب، الدفاع الشرعی فی الفقه الاسلامی، ۱۹۸۳: ۶۸-۶۷).

دفاع مشروع هم در دیدگاه حقوق بین‌الملل و هم در دیدگاه قرآن کریم به حق دفاعی اطلاق می‌شود که در صورت مورد تجاوز و اعتداء واقع شدن برای فرد یا جمعی محقق می‌شود.

رابطه میان اصل «منع توسل به زور» در حقوق بین‌الملل معاصر و اصل «جهاد» در فقه بین‌الملل اسلامی، از مباحث مهم و مناقشه‌انگیز است. نقطه عطف اختلاف نظرها در انطباق یا عدم انطباق اصول و قواعد منع‌کننده توسل به زور به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول حقوق بین‌الملل نوین با اصل جهاد به عنوان راه حل اجتناب‌ناپذیر در فقه بین‌الدول اسلامی است؛ اما اسلام دین صلح است؛ زیرا آیات قرآن نه تنها دستور به جهاد بدون قید و شرط نداده است؛ بلکه پیروان اسلام را از تجاوز و تعدی ابتدایی و فزاینده آن از تعدی در زمان دفاع نیز بر حذر داشته است. قرآن فقط در مورد دفاع مشروع توسل به اعتداء را مجاز اعلام می‌دارد (بقره/۱۹۴)، البته آن‌هم به صورت مقابله به مثل و نه بیشتر. در واقع قرآن در آیاتی چون آیه ۱۹۰ سوره بقره مطلقاً از اعتداء نهی کرده است: «... وَلَا تَعْتَدُوا...». در اینجا لازم است برای اثبات این موضوع (منع توسل به زور) ابتدا موضوع جهاد در قرآن کریم مورد بررسی قرار گیرد.

۶. آیات جهاد

در خصوص جهاد در آیات قرآن دو دسته آیات وجود دارند:

یک. آیات مطلق جهاد

در این دسته آیاتی قرار دارند که مسلمانان را به صورت مطلق دعوت به جهاد می‌کنند؛ مانند آیه ۱۹۱ سوره بقره: «وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ...» برخی مدلول این آیه را حکم به وجوب قتل کفار داده و گفته‌اند چه آنها با شما سر جنگ داشته باشند یا نداشته باشند، هر جا یافتید بکشید. ایشان معتقدند که کفار و مشرکان کسانی هستند که دائماً در هر جا باشند در صدد برگرداندن شما از دین‌اند، اعم از این که بالفعل با شما بجنگد یا خیر؛ بنابراین حتی اگر کفار بالفعل حمله نکنند؛ اما چون هدف آنان همواره قتال و جنگ است، باید آنها را هر جا یافتند بکشید و این یعنی جواز جهاد ابتدایی (فاضل لنکرانی، قرآن و مشروعیت جهاد ابتدایی، ۱۳۹۵: ۲۳)؛ اما باید گفت اگر قیودی که در خود آیه آمده است که باید در این موضوع لحاظ شود. برای مثال اگر عبارت «مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ» را هم قید برای «وَأَقْتُلُوهُمْ» و هم برای «وَأَخْرِجُوهُمْ» در نظر بگیریم، آن وقت این نکته حاصل خواهد شد که کفار مسلمانان را از مکه اخراج کرده بودند، پس مصداق این فرمان کسانی هستند که به اخراج مسلمانان از مکه اقدام کرده‌اند، نه همه کفار (میر محمدی و دیگران، آیات جهاد و اصل ممنوعیت توسل به زور، همخوانی یا تقابل، ۱۳۹۵: ۱۰۴). علاوه بر این در آیه ۱۹۰ سوره بقره که قبل از این آیه هست، خداوند به صراحت بیان می‌کند: «مقاتله کنید با کسانی که با شما در حال جنگ هستند»، نه با کسانی که با شما سر جنگ ندارند. با در نظر داشت این قیود، آیه مورد بحث نه تنها دلالت بر جهاد ابتدایی ندارد؛ بلکه بر جهاد دفاعی دلالت دارد که در چنین حالتی امری مشروع و عقلایی است.

آیه دیگری که دلالت مطلق بر جهاد ابتدایی دارد، آیه ۸۹ سوره نساء: «... فَإِنْ تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ» بر اساس این آیه قتل کفار به صورت مطلق واجب است. علامه در این مورد می‌فرماید: این آیه و آیه بعدی آن در شأن قبیله بنی‌نضیر و اشجع نازل شده و با در نظر داشت اینکه جمعیت آنان اندک بود و هراس داشتند که پیامبر ﷺ فرمان حمله به آنان را بدهد، معاهده‌ای که میان پیامبر ﷺ و این دو قبیله امضا شده بود را نقض کردند (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۵۵/۵-۵۴). برخی در تفسیر این آیه بیان کرده‌اند که آنان قصد داشتند که مسلمانان را به آئین خود برگردانند و چنین امری مصداق بارز فتنه است و این وظیفه هر انسان عاقل و مسلمان است که برای دفع و رفع آن اقدامات لازم و شایسته را انجام دهد (میر محمدی و دیگران، آیات جهاد و اصل ممنوعیت توسل به زور، همخوانی یا تقابل، ۱۳۹۵: ۱۰۴)؛ و اگر به هر شکلی زمینه فتنه ایجاد شده رفع شود، دلیلی برای جهاد باقی نمی‌ماند.



با تفکیک میان متن و سیاق، دخالت عناصر زمان و مکان، لحاظ قیودات آیات قبلی و بعدی آیه، این آیات نه تنها دلالت بر جهاد ابتدایی ندارند؛ بلکه دلالت بر جهاد دفاعی دارند (همان).

دو. آیات مقید جهاد

آیات این گروه دلالت بر جهاد دفاعی و اصل عدم تجاوز بر کشور دیگر دارد؛ یعنی مسلمانان هرگز حق حمله به کشورهای دیگر ندارند، مگر زمانی که مورد ظلم قرار گیرند، در این حالت حق دفاع متناسب با حمله را خواهند داشت، چنانکه خداوند می‌فرماید: «وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۸۹/۵). باتوجه به مضمون آیه و مفاهیم و عبارت‌های موجود در آن، این مضامین از آیه مورد استفاده است: ۱. وقوع حمله و تجاوز نظامی از جانب دشمن صورت بگیرد؛ یعنی «با کسانی که با شما می‌جنگند، در راه خدا پیکار کنید.» (مکارم‌شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۷: ۱۶/۲)؛ ۲. فی سبیل الله بودن جهاد یعنی قید و شرط واژه «فی سبیل الله» بودن حاکی از منطق جنگ در اسلام است که هدف از جنگ، جاه‌طلبی، کشورگشایی و انتقام‌جویی و به دست آوردن غنائم نیست؛ بلکه غرض اقامه دین و اعتلای کلمه توحید باشد (طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۸۸/۵)؛ ۳. شرط عدم ارتکاب اعتداء و تجاوز، در این آیه تعبیر «و لا تعتدوا» را به عنوان شرط بیان کرده‌اند که بر اساس آن، حین و در ادامه و در انتهای قتال، نبایستی تجاوز کرد. این آیه به نوعی در جهت تحقق اصل ظلم‌ستیزی در اسلام است؛ زیرا اعتدا از مصادیق ظلم است و هیچ هدف مقدسی حتی جهاد توجیه‌کننده ظلم نیست. علاوه بر آن، نهی در این آیه نهی مطلق است و مراد از آن، مطلق هر عملی است که عنوان تجاوز بر آن صدق کند (همان: ۸۹/۵).

خلاصه اینکه این آیه بر مقاتله با کفاری دلالت دارد که به قتال مسلمانان اقدام کرده‌اند (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۶۰: ۵۱۰/۲؛ فخررازی، مفاتیح الغیب، ۱۳۷۹: ۲۸۷/۵)، یا در تلاش برای آمادگی جهت قتال با اسلام و اهل آن‌اند (ابن‌کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۹: ۳۸۷/۱). بدین اساس، آیه ناظر به تمامی کافران نبوده است و قتال با آنان، دفاعی و نه ابتدایی خواهد بود (طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۸۸/۵). از بررسی این آیات نهی از توسل به زور ابتدایی و منع از اعتداء به دست می‌آید.

۷. جایگاه دفاع مشروع

ماده ۵۱ منشور ملل متحد مقرر می‌دارد: «هیچ یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع مشروع فردی یا جمعی در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد، لطمه‌ای وارد نخواهد کرد.»

همان طوری که پیداست هرچند این ماده دفاع مشروع را برای دول تحت شروط خاصی به رسمیت شناخته؛ ولی تعریفی از دفاع مشروع نکرده است. همین طور گستره این حق، شرایط اعمال آن، مفهوم اقدامات لازم و مرجع تشخیص دهنده دارای ابهام اند؛ از این روست که برخی از دولت ها و حقوقدانان تعریف وسیعی از آن ارائه داده و برخی از دولت ها و حقوقدانان دیگر قائل به مفهوم مضیق برای واژه مذکور شده است: «صورت معمولی و متعارف حمله مسلحانه در مواردی صدق می کند که جهت نقض تمامیت ارضی و استقلال سیاسی یا هر روشی که طبق تعریف سازمان ملل متحد تجاوز صورت بگیرد که در این صورت موجبات دفاع مشروع را فراهم خواهد ساخت.» (مسایلی و ارفعی، جنگ و صلح از دیدگاه حقوق و روابط بین الملل، ۱۳۷۳: ۵۰). ذکر حق دفاع مشروع بدون آنکه از مفهوم آن توصیفی به عمل آمده باشد، حکایت از آن دارد که نویسندگان منشور مفهوم عرفی حق دفاع را لحاظ کرده اند؛ به عبارت دیگر عرفی پدید آمده که منشأ اصلی آن، ماده ۵۱ منشور ملل متحد است (خسروی، حقوق بین الملل (دفاع مشروع)، ۱۳۷۳: ۱۳۶)، ماده ۵۱ منشور محدودیتی در خصوص اعمال حق دفاع مشروع پدید آورده و اعمال آن را صرف در فرض وقوع حمله مسلحانه مجاز شمرده است (همان: ۱۴۴).

در مکتب قرآن نیز دفاع به هنگام مورد اعتداء قرار گرفتن به عنوان یک حق فطری مورد تجویز و تأکید قرار گرفته است. قرآن در این باره می گوید: ﴿أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا...﴾ (حج/۳۹)؛ در این آیه، خداوند سبحان به کسانی که تحت ظلم و ستم قرار گرفته اند، اذن جنگ و جهاد داده است. شأن نزول آیه مسلمانانی بودند که از شهر و دیار خود - مکه - اخراج شده و اموالشان توسط مشرکان آن دیار مصادره شد. از این رو مصداق مظلومان در این آیه، کسانی هستند که به ناحق از سرزمینشان - تنها به جرم آنکه دعوت حق را لبیک گفته و به اسلام گرویده و خداوند سبحان را پروردگار خود خواندند - بیرون رانده شدند.

از این آیه به خوبی بر می آید که جنگ با دشمن مهاجم و ستمگر حق مشروع ستمدیدگان است. «بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا» از این رو حتی اگر عده ای غیرمسلمان تحت ستم قرار گیرند و به ناحق از خانه و کاشانه و سرزمینشان اخراج شوند، حق دفاع برای آنان محفوظ است. در منطق قرآن دفاع، ضامن صلاح جوامع و متقابلاً تسلیم، عامل بروز فساد در زمین است. ﴿وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ﴾ (بقره/۲۵۱)؛ برای خداوند حفظ دین و مراکز عبادی موحدان عالم امری آسان است؛ اما سنت الهی آن است که شرایع و ادیان الهی از طریق مردم حفظ شود. مردم نسبت به اعتقادات، عبادتگاهها و مراکز دینی و سرزمین خود احساس مسئولیت کنند و باید در راه دفاع از آن بایستند. وجود چنین احساسی در



مردم و دفاع در برابر تجاوز دشمن موجب جلب حمایت الهی شده و نصرت الهی را به همراه دارد. فقیهان نیز در آثار خود به تناسب اشاراتی به فلسفه جهاد دفاعی کرده‌اند. مروارید پس از تبیین وجوب جهاد دفاعی، علت آن را جلوگیری از «تباه شدن حق»، «شکست دارالایمان»، «پیروزی کفر و شرک» دانسته است (مروارید، الینابیع الفقهیه، ۱۴۱۰ق: ۹/ ۳۲)؛ چنانکه صاحب جواهر می‌نویسد: «اگر کفار بخواهند با حمله به سرزمین‌های اسلامی، اسلام را محو و شعائر آن را مندرس کنند که نامی از حضرت محمد ﷺ و شریعتش باقی نماند، شبهه‌ای در وجوب جهاد نیست.» (نجفی، جواهر الکلام، ۱۴۰۴ق: ۲۱/ ۴۷).

در آیات دیگری از قرآن نیز به مسئله دفاع و دستور به آن اشاره گردیده است، از جمله: «الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتِ قِصَاصٌ فَمَنِ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ...» (بقره/ ۱۹۴). از این آیه مطلق مشروعیت دفاع قابل استنباط است. فراز «و الحرمات قصاص» به معنای «هتک قصاص حرمت دارد» نیز دلیل مستقل بر مشروعیت مطلق دفاع و اعتداست. حرمت عبارت است از چیزی که هتک آن حرام و تعظیمش واجب باشد و اینجا مراد از حرمت، حرمت ماه‌های حرام، حرمت مکه و حرمت مسجدالحرام است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۲/ ۹۱-۹۲). واژه «قصاص» به معنای مجازات و مساوات در انجام عمل است؛ یعنی «قصاص آن است که با انسان کاری کنند مثل کاری که خودش با دیگران کرده» (حقی‌پروسی، روح البیان، بی‌تا: ۲۸۳/۱)؛ همچنین جمله «فَمَنِ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ» نیز مشروعیت اصل دفاع در مقابل هرگونه تجاوز و حرمت‌شکنی را بیان می‌کند؛ اما باتوجه به شرایط دفاع مشروع مانند شرط «تناسب» در مقام دفاع با به‌کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی به این آیه نیز نمی‌توان استناد کرد، هرچند این آیه دفاع از خود، ناموس و مال و وطن را جایز دانسته این جواز با سلاح‌های متعارف است و سلاح‌های کشتار جمعی سلاح‌های غیرمتعارف است. جمله «فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ» مبین این است به همان مقداری که دشمنان به شما تعدی کرده شما نیز به همان اندازه نه بیشتر از آن و حال آنکه در استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی چنین چیزی اصلاً امکان‌پذیر نیست. هرچند دشمنان از این سلاح‌ها علیه مسلمانان استفاده کنند؛ در مقابل مسلمانان به جهت اشکالاتی چون غیرقابل پیش‌بینی بودن و نامحدود بودن نمی‌توانند از آن استفاده کنند والا تجاوز آشکار خواهد بود، به اصل تناسب در شرایط دفاع مشروع بیشتر خواهیم پرداخت.

۸. شرایط دفاع مشروع

دفاع مشروع دارای شرایطی است که هم حقوق بین الملل و هم قرآن تاکید بر این شرایط کرده‌اند. در ادامه به بررسی این شرایط می‌پردازیم.

یک. وقوع تجاوز

یکی از شرایط اساسی استفاده از حق دفاع مشروع، وقوع تجاوز است. به این معنا که باید تجاوزی صورت گیرد تا دفاع مشروع مجاز باشد. از این رو در جریان کوشش‌هایی که به منظور به دست آوردن تعریفی از تجاوز به عمل آمده، این نکته که بین مفهوم تجاوز و مفهوم دفاع مشروع ارتباط نزدیک وجود دارد، مکرر مورد تأکید قرار گرفته و اظهار نظر شده است که اصطلاح دفاع مشروع و تجاوز لازم و ملزوم یکدیگر هستند. ماده ۵۱ منشور ملل متحد بیان می‌دارد که حق دفاع مشروع در صورت تجاوز برای طرف مورد تجاوز محقق می‌گردد.

در قرآن به افرادی که مورد تجاوز قرار گرفته‌اند اجازه داده شده است تا در برابر تعدی متجاوز به پا خواسته و اقدامات مناسبی انجام دهند. از جمله آیاتی که به این موضوع پرداخته‌اند آیه ۱۹۰ سوره بقره است: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره/۱۹۰). دفاع در این شرایط از نظر قرآن جایز است و حتی لازم و ضروری است. مقصود از دفاع در اینجا به مفهوم اعم است؛ دفاع از جان، ناموس، مال و وطن و از تمامیت ارضی و همچنین دفاع از قلمرو و سرزمین‌های اسلامی علیه دولت متجاوز و اشغالگر را شامل می‌شود.

شهید ثانی در بیان اقسام جهاد، قسم دوم جهاد را جهاد دفاعی دانسته، هنگامی که دشمنان کافر بر مسلمانان هجوم آوردند و قصد تسلط بر سرزمین‌های اسلامی یا به اسارت گرفتن مسلمانان یا گرفتن اموال و چپاول ثروت‌هایشان و یا تعرض به حریم و زن و فرزند آنان را داشته باشند، زمان جهاد دفاعی است؛ «و الثانی ان یدهم المسلمین عدو من الکفار یرید الاستیلاء علی بلادهم او اسرهم او اخذ ما لهم و ما شبهه من الحریم و الذری» (عاملی جبعی، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ۱۴۱۳ق: ۸/۳؛ ر.ک: عاملی جبعی، الروضة البهیة، ۱۴۱۰ق: ۲/۳۷۲).

دو. ضرورت

یکی از شروط اساسی حق دفاع مشروع، اصل ضرورت است. اعمال ضرورت منوط به مواردی است که توسل به طرق دیگر امکان‌پذیر نباشد. هرچند ماده ۵۱ منشور ملل متحد در این مورد ساکت است؛ اما بدون شک، وجود حالت ضرورت شرط استفاده از حق دفاع مشروع محسوب می‌شود. عقل



مؤید این امر است که هرگاه حمله مسلحانه به وقوع بپیوندد و دولتی مورد تهاجم نظامی واقع شود، می‌تواند با استناد به دفاع مشروع از خود دفاع کند. این حالت در صورتی است که سازمان ملل اقدامی برای دولت مورد تهاجم انجام ندهد. اصل ضرورت دارای ارکانی است که عبارتند از «فوریت، خردکننده‌بودن، محلی برای تأمل باقی نبودن و عدم امکان انتخاب راهی دیگر». (خسروی، حقوق بین‌الملل (دفاع مشروع)، ۱۳۷۳: ۲۳۵-۲۳۶). هرگاه ارکان ضرورت محقق نشود، دفاع مشروع نیز محقق نخواهد شد.

قرآن کریم هم‌راستا با فطرت و عقل بشری مسلمان را به آمادگی در کلیه عرصه‌ها خصوصاً در حوزه نظامی و مجهز نمودن به تجهیزات نظامی (سبحانی، مبانی حکومت اسلامی، ۱۳۷۰: ۷۰۴-۷۰۵). در مقابل تهدیدهای متخاصم بین‌المللی قبل از اقدام آنان علیه مسلمانان فراخوانده است. خداوند در آیه ۶۰ سوره شریفه انفال فرموده است: ﴿وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾ این آیه مستمسک اکثر فقهاء جهت تأکید بر تجهیز نظامی و افزایش قوت مسلمانان متناسب با علم و تکنولوژی روز است. امام خمینی رحمه الله در این خصوص می‌فرماید: «اگر در یکی از دولت‌های اسلامی ترس از حمله و هجوم دیگر کشورها پیش آید، بر تمامی دول اسلامی فرض است که با هر ابزار و وسیله ممکن از کشور مورد تهدید دفاع کنند.» (خمینی، تحریر الوسیله (ترجمه فارسی)، ۱۳۸۵: ۴۸۶/۱).

همچنین آیت‌الله خوئی رحمه الله استفاده از تجهیزات نظامی روز جهت مقابله با متخاصم را مجاز دانسته‌اند: «جنگیدن با کفار محارب با هر ابزار ممکن و ادوات جنگی همان عصر بر حسب نیاز آن زمان، جایز است.» (خوئی، منهاج الصالحین، ۱۴۱۰: ۱/۳۷۱). فقهای دیگری نیز شبه این مسئله را بیان کرده‌اند (وحیدخراسانی، منهاج الصالحین، ۱۴۲۸ق: ۲/۴۱۸؛ تبریزی، منهاج الصالحین، ۱۴۲۶ق: ۱/۳۱۸)؛ اما باید دانست که هرچند قرآن دستور به آمادگی و بالابردن توان دفاعی و نظامی در برابر تهاجم دشمن داده است، مقصود این نیست که استفاده از این سلاح‌های مخرب در راستای نابودی مردم جهان، تخریب محیط‌زیست، غارت اموال و سرزمین‌های دیگران باشد؛ بلکه هدف نهایی، ترساندن دشمن خدا و دشمن خود است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ق: ۹/۱۱۷؛ مکارم‌شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۷: ۷/۲۲۲-۲۲۳)؛ تا از شر دشمن در امان باقی بمانید و صلح پایدار استقرار یابد. از دیدگاه قرآن و فقهاء دفاع در صورتی ضرورت پیدا خواهد کرد که تمامی راه‌های خصومت مانند مذاکره طی شده و هیچ‌یک راهگشا نبوده و از طرفی دفاع فوریت داشته باشد

(حسینی زندآبادی و همکاران، واکاوی تطبیقی دفاع مشروع در فقه امامیه و حقوق بین‌الملل، ۱۳۹۷: ۷۶)؛ آنگاه است که اگر متجاوزان کشته شوند خونشان مباح است و افراد مدافع هیچ مسئولیتی در قبال خون مهاجمان ندارند. برای شاهد مثال این موضوع می‌توان به آیه بعد آیه مورد بحث استناد کرد: ﴿وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ (انفال/۶۱)؛ جالب اینکه در این آیه بلافاصله به ضرورت صلح تأکید می‌کند. آیه به پیامبر ﷺ فرمان می‌دهد اگر دشمن تمایلی به صلح و آشتی نشان داد، آن را بپذیر! چه بسا ممکن است دشمن از مجرای حيله و نیرنگ وارد صلح شود و قصد غافلگیرانه داشته باشد و آیه بعدی سریع متذکر می‌شود: ﴿وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي آتَاكَ بَنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ﴾ (انفال/۶۲) همان‌طور که مشاهده می‌شود این آیات اصالت را به صلح داده است نه به جنگ؛ زیرا با وجود نیرنگ و حيله، پیشنهاد صلح را می‌دهد و با تأکید ضمنی بر قبولی پیشنهاد صلح می‌فرماید: خدا تو را در برابر مکر و توطئه آنان کفایت می‌کند و نگرانش نباش! (میرمحمدی و دیگران، آیات جهاد و اصل ممنوعیت توسل به زور، همخوانی یا تقابل، ۱۳۹۵: ۱۰۶-۱۰۷). از این رو آیات مذکور دلالت بر آمادگی محض جهت دفاع و در مرحله بعد برانگیختن مؤمنان در صورت وقوع حمله و با احتمال وجود خدعه دشمن است؛ یعنی هرگاه ضرورت اقتضاء کرد. در فقه نیز به همین دلیل انواع دفاع همچون دفاع در مقابل تجاوز به جان، عرض و ناموس، مورد تحلیل و تفکیک قرار می‌گیرد (طوسی، الخلاف، ۱۴۱۶ق: ۳۴۵؛ حلی، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ۱۴۱۰ق: ۵-۴؛ حلی، نکت النهایة، ۱۴۱۲ق: ۶-۴).

سه. تناسب

شرط دیگری که هنگام انجام دفاع مشروع رعایت آن الزامی است، حفظ تعادل و تناسب است؛ یعنی اقداماتی که در جهت دفاع صورت می‌گیرد، باید معقول و متناسب با عملیات تهاجمی باشد. این حق برای پاسخگویی به حمله و دفاع از حقوق اساسی در نظر گرفته شده و برای پاسخگویی به خطری غیرقانونی که آن حقوق را تهدید می‌کند، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

لزوم رعایت تناسب در استفاده از حق دفاع مشروع قبل از تصویب منشور ملل متحد در روابط بین دول، مکرر مورد استفاده و تأیید قرار گرفته است. در ماده ۵۱ منشور گرچه اقدام به دفاع مشروع محدود به رعایت تناسب نشده است، ولی می‌توان با اطمینان به رعایت تناسب حکم کرد؛ زیرا مفهوم دفاع اقدام به دفع حمله است و نه زائد بر آن و از جانب دیگر ماده ۵۱ منشور با حقوق بین‌الملل عرفی ارتباط محکم دارد و جز آنچه که در ماده تصریح شده، سایر مقررات حق دفاع مشروع حقوق بین‌الملل عرفی، از جمله تناسب را باید هنگام استفاده از مقررات ماده ۵۱ رعایت کرد. اگر دولتی پس از دفع حمله به عملیات تهاجمی دست زند عملش دفاع مشروع نیست.



در قرآن آیاتی چون آیه ۱۹۴ بقره بیانگر لزوم تعادل و برابری میان تجاوز و اقدام متقابل است. دفاع که یکی از موارد اقدام متقابل است در این آیه توسط جمله «وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» مقید به نهی خداوند از اقدام متقابل بیش از مثل می‌گردد (عبدالطوب، الدفاع الشرعی فی الفقه الاسلامی، ۱۹۸۳م: ۲۴۹)؛ یا در آیه ۹ سوره حجرات خداوند می‌فرماید: اگر دو طایفه از مؤمنان با یکدیگر جنگ کردند، بین آنها صلح برقرار کنید، ولی اگر یکی از آنها بر دیگری ستم کرد، شما باید با طایفه‌ای که ستمکار هستند، بجنگید تا به پیروی از خداوند برگردند. اگر این طایفه دست از ظلم برداشت، میان هر دویشان با عالت مصالحه کنید و عدالت را برقرار سازید، خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد. این آیه نشانگر این موضوع است که اقدام متقابل در برابر طایفه باغی، صرفاً دفاعی است و عبارت «حتی تفریء إلی امر الله...» معلوم می‌شود که مجوز اقدام دفاعی تا زمانی است که گروه باغی به جای خود بنشینند.

در آیه ۲۵۱ بقره و ۴۰ حج در تفسیر «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ» گفته شده است که اینکه خداوند تعالی مسلمانان را این گونه یاری می‌کند که کفار با یکدیگر ستیز کرده، یکدیگر را دفع می‌کنند و این امر باعث می‌شود شر و فساد آنها به مسلمانان سرایت نکند (مشهدی‌قمی، کنز الدقائق، ۱۴۰۷ق: ۵۹۶/۱) علامه طباطبایی در تفسیر این آیه اعتقاد دارند که لازمه ادامه حیات و بقا در جامعه بشری، به‌عنوان یک اصل ثابت در نظام حیاتی، دفاع اجزا و افراد آن در مقابل یکدیگر است، به همین دلیل، ایشان دفاع را امری غریزی و فطری می‌دانند (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۲/۲۴۷-۲۴۸). آیت‌الله مکارم به‌طور کلی آیه شریفه را بیانگر لطف و مرحمت خداوند بر بندگان خود دانسته، معتقدند خداوند در این آیه بر بندگان منت می‌گذارد و به آنها گوشزد می‌کند که در موارد طغیان ظالمان، بندگان را یاری کرده، شر آنها را از ایشان برطرف می‌کند (مکارم‌شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۷: ۲/۲۴۷-۲۴۸).

در مجموع از این دو آیه اینگونه فهمیده می‌شود که دفاع امری هدف‌دار و در جهت حفظ حیات و جلوگیری از تباهی و فساد است. پس همان‌طور که روشن شد، اقدام دفاعی باید در جهت هدف مقدمس جلوگیری از تباهی و فساد و حفظ حیات و متناسب با آن باشد.

چهار. دخالت سازمان ملل متحد

در ماده ۵۱ منشور مقرر داشته است: «... در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد.» طبق این ماده حق دفاع مشروع تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را جهت تأمین صلح و امنیت

بین‌المللی انجام نداده، مجاز است. هرگاه شورای امنیت نتوانست اقدامات لازم به عمل آورد، حق دفاع برای دولت مورد تجاوز ادامه پیدا خواهد کرد (مدنی، حقوق بین‌الملل عمومی و اصول روابط دول، ۱۳۹۰: ۱۸۷)؛ همان طوری که یکی از حقوق‌دانان می‌گوید: «منشور ملل متحد دفاع مشروع را در اجراء و به‌عنوان یک عمل ثانوی، موقتی و تحت کنترل محدود می‌کند» (ضیایی‌بیگدلی، حقوق بین‌الملل عمومی، ۱۳۸۷: ۳۵-۳۶). در حقیقت در تشخیص دفاع و ضرورت آن خود دولت مورد تجاوز تصمیم گیرنده است؛ ولی به جهت دوری از سوءاستفاده دول، منشور حق قضاوت نهایی و چگونگی اعمال دفاع مشروع از حیث شرایط لازم را از صلاحیت‌های مراجع بین‌المللی قرار داده است (حسینی، اصل منع توسل به‌زور و موارد استثنایی در اسلام و حقوق بین‌الملل، ۱۳۸۲: ۲۰۷).

۹. قلمرو دفاع مشروع

در حقوق بین‌الملل عناصر ساختار یک دولت مبتنی بر سرزمین، جمعیت، حکومت، حاکمیت شناسایی شده است. پس هرگاه یکی از عناصر فوق مورد تهاجم قرار گیرد، دولت مورد تعدی حق دفاع از خود را دارد. منشور ملل از همه دول خواسته که به عناصر فوق احترام بگذارند و حقوق آنها را رعایت نمایند و از توسل به‌زور علیه عناصر مذکور خودداری ورزد (بند ۴ ماده ۴ منشور). ماده ۵۱ منشور یک اصل مسلم و اساسی را برای کلیه دول به رسمیت شناخته و آن حق دفاع مشروع است؛ اما در خصوص اینکه آیا سلاح‌های کشتار جمعی هم مشمول قلمرو دفاع می‌شود یا خیر، بر اساس رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری (۱۹۹۶) در مورد مشروعیت استفاده از سلاح هسته‌ای، این سلاح داخل در قلمرو دفاع مشروع می‌شود؛ بدین معنا هرگاه کشوری علیه کشور دیگر از سلاح‌های هسته‌ای استفاده کند، کشور مورد تجاوز نیز در مقابل می‌تواند از چنین سلاح‌هایی استفاده کند؛ اما در خصوص سلاح‌های و بیولوژیکی می‌توان گفت این دو نوع سلاح خارج از قلمرو دفاع مشروع هستند، کشور مورد تعدی حق استفاده از آن را ندارد؛ زیرا عرفی بودن قاعده منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی محل هیچ تردیدی نیست و تحلیل اسناد ناظر بر قاعده ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی، نشانگر آن است که این قاعده منطبق با معیارهایی است که مخبر کمیسیون حقوق بین‌الملل در گزارش دوم خود برای قاعده آمره برشمرده است و در نتیجه قاعده آمره بین‌المللی به شمار می‌آید (زارع و نیاورانی، ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی در قامت قاعده آمره بین‌المللی در پرتو گزارش کمیسیون حقوق بین‌الملل درباره قاعده آمره، ۱۳۹۹: ۳۸۳). در مورد سلاح‌های بیولوژیکی، شکل‌گیری کنوانسیون منع توسعه، تولید و ذخیره‌سازی تسلیحات باکتریولوژیک و تسلیحات توکسینی و تخریب این تسلیحات (Wheelis,)



۲۰۰۶، ۱۹۴۵)، (Deadly cultures: biological weapons since مؤید ممنوعیت آن است. همچنین بر اساس ماده ۲۳ و ۲۴ معاهده ۱۹۰۷ لاهه و بند ۲ ماده ۳۵ پروتکل ۱۹۷۷، قانون منع استفاده از سلاح‌های بیوتوررستی شکل گرفته است (رزمجو و رزمجو، استفاده از باکتری وبا در یمن توسط عربستان از منظر حقوق بین‌الملل، ۱۳۹۷: ۵۳-۶۸)؛ که دلایل اصلی آن جلوگیری از بلایا و مصائب زاید و غیرضروری و عدم تمایز میان نیروهای نظامی و غیرنظامی بوده است (صدقی، دفاع در برابر جنگ بیولوژیک و بیوتوررسم، ۱۳۸۲: ۲۱۱).

در قرآن کریم نیز جهت دفاع مشروع قلمرو مشخص گردیده است. آنچه از برخی آیات قرآنی قابل استنباط و فهم است و عقل نیز مؤید آن است، اینکه دفاع مشروع دارای قلمرو وسیعی است. دفاع از دین، جان، ناموس، عرض، مال، دفاع از دیگران (انفال/۷۲؛ نساء/۷۵) و دفاع از خاک و سرزمین (توبه/۱۲۳) را شامل می‌شود و پرداختن به جزئیات این موارد از بحث ما خارج است. آنچه مورد بحث است اینکه آیا از دیدگاه قرآن دفاع مشروع شامل تسلیحات کشتار جمعی هم می‌شود؟ یعنی هرگاه دولت متخاصم علیه دولت مسلمان از سلاح‌های کشتار جمعی استفاده کند، آیا در مقابل دولت مسلمان حق استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در مقام دفاع مشروع را دارد یا خیر؟ باتوجه به توضیحات ارائه شده در خصوص دفاع مشروع و شرایط دفاع مشروع، از نظر مبانی قرآنی به ویژه آیات ۱۹۰ و ۱۹۴ سوره بقره و نظریه‌های اکثر مفسران و فقهاء، دولت اسلامی در مقام دفاع مشروع حق استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی را ندارد؛ یعنی اگرچه در خصوص اصل و ماهیت دفاع مشروع در هر دو نظام حقوق بین‌الملل و قرآن تفاوتی وجود ندارد؛ زیرا در هر دو نظام حقوقی دفاع مشروع را از جمله حقوق مسلم و طبیعی انسان‌ها شناخته‌اند؛ اما قرآن کریم در مقام دفاع مشروع به دولت مورد تعدی اجازه استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی را نداده است ولو اینکه دولت متجاوز از آن استفاده کرده باشد؛ زیرا که در این صورت «بمثل ما اعتدی علیکم» رعایت نمی‌شود؛ یعنی اینکه قرآن می‌فرماید اگر کسی به شما تعدی کرد و شما در مقام دفاع برآمدید، باید این دفاع طوری باشد که اعتداء به افرادی که در جنگ شرکت ندارند، تسری پیدا نکند حال آنکه استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی غیرقابل کنترل بوده نه تنها افراد غیردرگیر در جنگ را قربانی می‌کند که حتی نسل‌های آینده را، بدون کوچک‌ترین نقشی در جنگ درگیر می‌کند. حقوق بین‌الملل در این خصوص به صورت کلی صراحتاً دارای نهی نیست نه در حقوق معاهدات و نه در حقوق عرفی استفاده از سلاح هسته‌ای در مقام دفاع مشروع منع نگردیده است. البته در خصوص سلاح‌های شیمیایی و میکروبی این نهی وجود دارد. اگرچه عنوان شده است که اصول تناسب و تفکیک باید در دفاع مشروع رعایت گردد؛ اما در صورت مورد تجاوز واقع شدن کشوری به واسطه سلاح هسته‌ای و دفاع متقابل با آن ممنوع نگردیده است.

در قرآن کریم همان طور که قبلاً گفته شد نهی از اعتداء شده است (بقره/۱۹۰) و همان طور که بعضی تفسیر کرده اند، منظور نهی اعتداء به غیرنظامیان است؛ یعنی نسبت به غیرجنگجویان دشمن ظلم و ستم نکنید و فقط با کسانی بجنگید که در حال جنگ با شما هستند؛ چنانکه از «ابن عباس» نقل شده که مراد از «لا تعدوا» این است که «لا تقتلوا النساء والصبيان والشيخ الكبير ولا من القى اليكم السلم فان فعلتم فقد اعتديتم»؛ یعنی زنان و کودکان و پیرمردها و کسانی که تسلیم می شوند را نکشید و اگر کشتید اعتداء و تعدی کرده اید (سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ۱۴۰۴ق: ۲۰۵/۱).

در روایات اسلامی نیز از کشتار غیرنظامیان حتی در زمان اضطرار جنگی منع گردید است: «کان صلی الله علیه وآله وسلم إذا بعث الجیوش... أمرهم ألا یقتلواهما ولا امرأة ولا ولدا وأن یتقوا قتلهم إذا التقى الزحفان وعند حمة النهضات» (زمخشری، الفائق فی غریب الحدیث، ۱۴۱۷ق: ۴۰۸/۳).

نتیجه

در سطح بین الملل باوجود اینکه در گذشته توسل به زور مجاز بوده است، امروزه به همت برگزاری اجلاس ها و معاهدات و قوانین، ممنوع گردیده است. حق دفاع مشروع استثنائی بر منع توسل به زور است. در دیدگاه قرآن کریم نیز تعدی به دیگران منع گردیده و حق دفاع مشروع به عنوان یک حق فطری بیان گردیده است. اگرچه با استفاده از آیات جهاد به اسلام اتهام تجویز توسل به زور به صورت ابتدایی وارد شده است؛ اما با بررسی آیات و قیود و سیاق آنها به این نتیجه می رسیم که دستورات قرآن جهاد ابتدایی را مقید کرده و تنها جهاد دفاعی را مجاز دانسته است که آن هم زمانی تحقق می یابد که تجاوزی صورت گرفته باشد. منظور از نهی تعدی در آیات قرآن کریم مطلق بوده شامل هر عملی است که عنوان تجاوز بر آن صادق باشد. در این بخش هم قرآن هم حقوق بین الملل تجاوز و استفاده از سلاح های کشتار جمعی علیه دیگران را ممنوع می دانند.

دفاع مشروع به عنوان حقی که کشورها بر اساس آن می توانند از خود در مقابل حمله مسلحانه با عکس العمل نظامی فوری دفاع نمایند، در حقوق بین الملل تعریف شده است. در دیدگاه قرآن کریم نیز حق دفاع در صورت تعدی دیگران به مال و جان و ناموس و... برای فرد به عنوان یک حق فطری در نظر گرفته شده است و شرع آن را مجاز دانسته در نتیجه حق دفاع مشروع برای فرد و اجتماع مسلم است. ضرورت از شرایط دفاع مشروع است. اعمال ضرورت منوط به مواردی است که توسل به طرق دیگر امکان پذیر نباشد. رعایت تناسب و حفظ تعادل شرط دیگر دفاع مشروع است قرآن با دستور به اعتدی بمثل دستور به رعایت تناسب می دهد.



سرزمین، جمعیت، حاکمیت عناصر قلمرو دفاع مشروع محسوب می‌گردند. پس هرگاه یکی از عناصر فوق مورد تهاجم قرار گیرد، دولت مورد تجاوز حق دفاع از خود را دارد. از دیدگاه آیات قرآنی دفاع مشروع دارای قلمرو وسیعی است و شامل دفاع از دین، جان، ناموس، عرض، مال، دفاع از دیگران و دفاع از خاک و سرزمین می‌شود.

رای مشورتی مجمع عمومی سازمان ملل از دیوان دادگستری بین‌الملل (۱۹۹۶) در مورد ممنوعیت یا جواز استفاده از سلاح‌های هسته‌ای دیوان بیان می‌دارد که منشور ملل متحد نه حکم به جواز استفاده داده است و نه حکم به ممنوعیت آن؛ اما به دلیل نامتعارف بودن این سلاح‌ها حتی در مقام دفاع مشروع نیز نمی‌توان از این سلاح‌های نامشروع استفاده کرد؛ اما درجایی که بقای یک کشور در گرو استفاده از این سلاح‌ها باشد، نمی‌توان حکم به ممنوعیت داد؛ اما قرآن و فقه اسلامی استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی را نه در موقعیت دفاع مشروع و نه حتی در شرایطی که بقاء کشوری در گرو استفاده از این‌گونه سلاح‌ها باشد، جایز نمی‌داند.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعة المصطفی، انتشارات بین المللی المصطفی، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۲. ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
۳. تبریزی، جواد، منهاج الصالحین، قم: مجمع الإمام المهدی (عج)، ۱۴۲۶ق.
۴. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم: تفسیر قرآن کریم (ج ۹)، قم: اسراء، ۱۳۸۵.
۵. حسینی، ابراهیم، اصل منع توسل به زور و موارد استثنایی در اسلام و حقوق بین الملل، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۲ش.
۶. حسینی زندآبادی، حسین و دیگران، واکاوی تطبیقی دفاع مشروع در فقه امامیه و حقوق بین الملل، پژوهش های فقه و حقوق اسلامی (فقه و مبانی حقوقی اسلامی)، ۱۴(۵۳)، ۸۰-۶۷، ۱۳۹۷.
۷. حقی بروسی، اسماعیل، روح البیان، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۸. حکمت نیا، محمود، سلاح های کشتار جمعی و مبانی فقهی و حقوقی ممنوعیت استفاده از آن ها، فصلنامه حقوق اسلامی، ش ۳۸، ص ۸۷-۵۳، ۱۳۹۲ش.
۹. حلی، جعفر بن حسن، نکت النهایة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۲ق.
۱۰. خسروی، علی اکبر، حقوق بین الملل (دفاع مشروع)، تهران: مؤسسه فرهنگی آفرینه، ۱۳۷۳.
۱۱. خمینی، روح الله، تحریر الوسیله (ترجمه فارسی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵ش.
۱۲. خوئی، ابوالقاسم، منهاج الصالحین، قم: نشر مدینه العلم، ۱۴۱۰ق.
۱۳. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۳۰.
۱۴. راوندی، قطب الدین سعید بن هبة الله، فقه القرآن فی شرح آیات الأحکام، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۵.
۱۵. رزمجو، علی اکبر، رزمجو، محدثه، استفاده از باکتری وبا در یمن توسط عربستان از منظر حقوق بین الملل، دو فصلنامه سیاست و روابط بین الملل، سال دوم، شماره دوم، ص ۵۳-۶۸، ۱۳۹۷ش.



۱۶. زارع، اکبر، نیاورانی، صابر، ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی در قامت قاعده آمره بین‌المللی در پرتو گزارش کمیسیون حقوق بین‌الملل درباره قاعده آمره، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۹۱، ص ۳۷۷-۴۰۰، ۱۳۹۹ش.
۱۷. زمخشری، جارالله محمود بن عمر، الفائق فی غریب الحدیث، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷.
۱۸. سبحانی، جعفر، مبانی حکومت اسلامی، ترجمه و نگارش داوود الهامی، قم: مؤسسه علمی و فرهنگی سید الشهداء (علیه السلام)، ۱۳۷۰ش.
۱۹. سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیةالله مرعشی نجفی (علیه السلام)، ۱۴۰۴.
۲۰. صدقی، ابوالفضل، دفاع در برابر جنگ بیولوژیک و بیوتروریسم، مطالعات راهبردی بسیج، بهار و تابستان، شماره ۱۸ و ۱۹، ۱۳۸۲ش.
۲۱. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: گنج دانش، ۱۳۸۷.
۲۲. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۶۰.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۰.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، قم: مؤسسه نشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
۲۶. عاملی جبعی، زین‌الدین، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم: داوری، ۱۴۱۰ق.
۲۷. عاملی جبعی، زین‌الدین، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳.
۲۸. عبدالنّوّاب، سیدمحمد، الدفاع الشرعی فی الفقه الاسلامی، قاهره: عالم‌الکتاب، ۱۹۸۳.
۲۹. عبدی، حسن، هاشمی، محمدجواد، بررسی تحلیلی مفهوم سلاح‌های کشتار جمعی و تطبیق آن بر دیدگاه اسلامی با تأکید بر آرای مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای «مدّ ظلّه العالی»، فصلنامه سیاست، ش ۸، ص ۷۳۲-۷۰۹، ۱۳۹۷ش.
۳۰. فاضل‌لنکرانی، محمدجواد، قرآن و مشروعیت جهاد ابتدایی، قرآن، فقه و حقوق اسلامی، ۳(۵)، ۱۳-۵۰، ۱۳۹۵.

۳۱. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، تهران: اساطیر، ۱۳۷۹.
۳۲. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، الصافی فی تفسیر القرآن، تهران: مکتبة الصدر، ۱۴۱۵.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۹.
۳۴. مدنی، جلال‌الدین، حقوق بین‌الملل عمومی و اصول روابط دول، تهران: جنگ جاودانه، ۱۳۹۰ ش.
۳۵. مروارید، علی اصغر، الینایع الفقہیہ، بیروت: الدار الإسلامیة، ۱۴۱۰ ق.
۳۶. مسایلی، محمود، ارفع، عالیہ، جنگ و صلح از دیدگاه حقوق و روابط بین‌الملل، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳.
۳۷. مشهدی قمی، محمد، کنز الدقائق، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیہ، ۱۳۷۷.
۳۹. میر محمدی، مصطفی، آل کجفاف، حسین، مهدی هادی، حسین، آیات جهاد و اصل ممنوعیت توسل به زور، همخوانی یا تقابل، قرآن، فقه و حقوق اسلامی، ۳(۵)، ۸۹-۱۱۶، ۱۳۹۵.
۴۰. نادری، محمد تقی، دفاع مشروع؛ موضوع ماده ۱۵ منشور ملل متحد، تهران: چاپ خانه زیبا، ۱۳۵۱.
۴۱. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴.
۴۲. وحید خراسانی، حسین، منهاج الصالحین، قم: مدرسه امام باقر (ع)، ۱۴۲۸ ق.
۴۳. Bantekas, Ilias, Susan, Nash (۲۰۰۳), International Criminal Law, London, Cavendish.
۴۴. Malanczuk, Peter (۱۹۹۷), Akehurst's Modern Introduction to International Law, London.
۴۵. Wheelis, M. (۲۰۰۶). Deadly cultures: biological weapons since ۱۹۴۵. Harvard University Press



References

۱. Quran Karim (Translation of the Holy Quran): Translated by Mohammad Ali Rezaei Esfahani and A Group of Professors at Al-Mustafa International University, Al-Mustafa International University Publications, Qom: ۲nd Edition, ۱۳۸۸ SH (۲۰۰۹ CE).
۲. Abd al-Thawwab, Sayyid Mohammad, Al-Difa' al-Shar'i fi al-Fiqh al-Islami (Legal Defense in Islamic Jurisprudence), Cairo: Alam al-Kitab, ۱۹۸۳.
۳. Abdi, Hassan, Hashemi, Mohammad Javad, "Barrasi-e Tahqiqi-e Mafhum-e Silah-haye Kohtar Jame'i va Tatbiq An bar Didgah-e Eslami ba Ta'kid bar A'raye Maqam-e Mo'azzam-e Rahbari Imam Khamenei" (Analytical Study of the Concept of Weapons of Mass Slaughter and Its Application in the Islamic Perspective with Emphasis on the Views of the Supreme Leader, Ayatollah Khamenei), Fasnameh Siyasi (Political Quarterly), No. ۸, pp. ۷۳۶-۷۰۹, ۱۳۹۷ SH (۲۰۱۸-۲۰۱۹ CE).
۴. Ameli Jab'ei, Zayn al-Din, Al-Rawdat al-Bahiyyah fi Sharh al-Lum'at al-Dimashqiyyah (The Beautiful Garden in Explaining the Damascene Light), Qom: Davari, ۱۴۱۰ AH (۱۹۹۰ CE).
۵. Ameli Jab'ei, Zayn al-Din, Masalik al-Afham ila Tanqih Sharia' al-Islam (Paths of Understanding for Refining the Islamic Laws), Qom: Mo'asseseh al-Ma'arif al-Islamiyyah, ۱۴۱۳ AH (۱۹۹۳ CE).
۶. Bantekas, Ilias, Susan, Nash (۲۰۰۳), International Criminal Law, London, Cavendish.
۷. Fakhr Razi, Mohammad bin Umar, Mafatih al-Ghayb (Keys to the Unseen World), Tehran: Asatir, ۱۳۷۹ SH (۲۰۰۰ CE).
۸. Fayz Kashani, Mohammad bin Shah Murtadha, Al-Safi fi Tafsir al-Quran (The Pure in the Interpretation of the Quran), Tehran: Maktabat al-Sadr, ۱۴۱۵ AH (۱۹۹۵ CE).
۹. Fazil Lankarani, Mohammad Javad, "Quran va Mashru'iyat-e Jihad-e Ebtidai" (The Quran and the Legitimacy of Initial Jihad), Quran, Fiqh va Hoquq Eslami (Quran, Jurisprudence, and Islamic Law), Vol. ۳, No. ۵, pp. ۵۰-۱۳, ۱۳۹۵ SH (۲۰۱۶ CE).
۱۰. Hakimnia, Mahmoud, "Silah-haye Koshtar Jame'i va Mabani Fiqhi va Hoquqi Mamnu'iyat Estefadeh az Anha" (Weapons of Mass Destruction and the Jurisprudential and Legal Foundations of Their Prohibition), Fasnameh Hoquq Eslami (Islamic Law Quarterly), No. ۳۸, pp. ۸۷-۵۳, ۱۳۹۲ SH (۲۰۱۳ CE).
۱۱. Haqi Brosi, Isma'il, Ruh al-Bayan (The Spirit of Elucidation), Beirut: Dar al-Fikr, n.d.
۱۲. Helli, Ja'far bin Hasan, Nukat al-Nihayah (The Ultimate Points), Qom: Islamic Publications Office, ۱۴۱۲ AH (۱۹۹۱ CE).
۱۳. Hussein Zanabadhi, Hussein et al., "Vakavie Tatbiqi-e Dafa' Mo'shrou dar Fegh Imamieh va Hoquq-e Beyn al-Melal" (Comparative Study of Legitimate Defense in Imamieh Jurisprudence and International Law), Pajohesh-haye Fegh va Hoquq-e Eslami

- (Islamic Jurisprudence and Legal Foundations Research), Vol. ١٤, No. ٥٣, pp. ٨٠-٦٧, ١٣٩٧ SH (٢٠١٨-٢٠١٩ CE).
١٤. Hussein, Ebrahim, Asl-e Man' Tavassol be Zor va Mavared Estesthnai dar Eslam va Hoquq-e Beyn al-Melal (Principle of Prohibition of Forced Mediation and Exceptional Cases in Islam and International Law), Qom: Daftar Nashr Ma'aref, ١٣٨٢ SH (٢٠٠٣ CE).
 ١٥. Ibn Kathir, Ismail bin Amr, Tafsir al-Quran al-Azim (Interpretation of the Great Quran), Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, ١٤١٩ AH (١٩٩٨-١٩٩٩ CE).
 ١٦. Javadi Amoli, Abdullah, Tafsir-e Quran Karim (Interpretation of the Noble Quran), Vol. ٩, Qom: Esra, ١٣٨٥ AH (٢٠٠٦ CE).
 ١٧. Khoei, Abu al-Qasim, Minhaj al-Salihin (The Way of the Righteous), Qom: Medina al-Ilm Publications, ١٤١٠ AH (١٩٨٩ CE).
 ١٨. Khomeini, Ruhollah, Tahreer al-Wasilah (Persian Translation), Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, ١٣٨٥ SH (٢٠٠٦ CE).
 ١٩. Khosravi, Ali Akbar, Hoquq-e Bayn al-Mellali (International Law - Right to Self-Defense), Tehran: Afarineh Cultural Institute, ١٣٧٣ SH (١٩٩٤ CE).
 ٢٠. Kulayni, Mohammad bin Ya'qub, Al-Kafi, Qom: Dar al-Hadith, ١٤٢٩ AH (٢٠٠٨ CE).
 ٢١. Madani, Jalal al-Din, Hoquq Beyn al-Melali Amumi va Usul-e Ravabet Dowal (Public International Law and Principles of International Relations), Tehran: Jang-e Javidaneh, ١٣٩٠ SH (٢٠١١ CE).
 ٢٢. Makarem Shirazi, Naser et al., Tafsir-e Namune (Exemplary Interpretation), Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, ١٣٧٧ SH (١٩٩٨ CE).
 ٢٣. Malanczuk, Peter (١٩٩٧), Akehurst's Modern Introduction to International Law, London.
 ٢٤. Marvarid, Ali Asghar, Al-Yanabie al-Fiqhiyah (The Jurisprudential Springs), Beirut: Dar al-Islamiyyah, ١٤١٠ AH (١٩٩٠ CE).
 ٢٥. Masaili, Mahmoud, Erfai, Aliyeh, Jang va Solh az Didgah-e Hoquq va Ravabet Beyn al-Melal (War and Peace from the Perspective of Law and International Relations), Tehran: Ministry of Foreign Affairs, ١٣٧٣ SH (١٩٩٤ CE).
 ٢٦. Mashhadi Qomi, Mohammad, Kanz al-Daqa'iq (The Treasures of Precious Gems), Qom: Mo'asseseh Nashr al-Islami, ١٤٠٧ AH (١٩٨٦ CE).
 ٢٧. Mir-Mohamadi, Mostafa, Al-Kujbaf, Hussein, Mahdi-Hadi, Hussein, "Ayat Jihad va Asl Mamnu'iyat Tavassul be Zor (Verses of Jihad and the Principle of Prohibition of Coercion: Harmony or Conflict)", Quran, Fiqh va Hoqoq Eslami (Quran, Jurisprudence, and Islamic Law), Vol. ٣, No. ٥, pp. ١١٦-٨٩, ١٣٩٥ SH (٢٠١٦ CE).
 ٢٨. Naderi, Mohammad Taqi, "Dafa' Mashru"; Mozoo'e Maddeh 15 Manshour Melal Mottahed (Legitimate Defense; Subject of Article 15 of the United Nations Charter), Tehran: Ziba Press, ١٣٥١ SH (١٩٧٢ CE).



۲۹. Najafi, Mohammad Hassan, "Jawaher al-Kalam fi Sharh Sharia' al-Islam" (Gems of Speech in Explaining the Islamic Laws), Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi, ۱۴۰۴ AH (۱۹۸۳ CE).
۳۰. Raghieb Isfahani, Abu al-Qasim Husayn bin Mohammad, Mufarradat al-Lughat al-Quran (Vocabulary of Quranic Terms), Beirut: Dar al-Qalam for Printing, Press and Distribution, ۱۴۳۰ AH (۲۰۱۰ CE).
۳۱. Rawandi, Qutb al-Din Saeed bin Hibibullah, Fiqh al-Quran fi Sharh Ayat al-Ahkam (Jurisprudence of the Quran in Explaining Legal Verses), Qom: Ayatollah Mara'shi Najafi Library, ۱۴۰۵ AH (۱۹۸۴ CE).
۳۲. Razmjou, Ali Akbar, Razmjou, Mahaddeseh, "Istifaadeh az Baktiri Waba dar Yemen Tawussit Arabistan az Manzare Hoquq Beyn al-Mele (The Use of Bacteriological and Biological Weapons in Yemen by Saudi Arabia from the Perspective of International Law)", Journal of Politics and International Relations, Year ۲, Number ۲, pp. ۵۳-۶۸, ۱۳۹۷ SH (۲۰۱۸ CE).
۳۳. Sadaqi, Abolfazl, Defa' dar Barabar Jang Biologic va Bioterrorism (Defense Against Biological Warfare and Bioterrorism), Strategic Studies of Basij, Spring and Summer, Number ۱۸ and ۱۹, ۱۳۸۲ SH (۲۰۰۳ CE).
۳۴. Sobhani, Jafar, Mabani Hukumat Islami (Foundations of Islamic Governance), Translation and Compilation by Davood Elhami, Qom: Scientific and Cultural Institute of Martyr Seyed al-Shohada (A.S.), ۱۳۷۰ SH (۱۹۹۱ CE).
۳۵. Suyuti, Jalal al-Din, Al-Durr al-Mansur fi Tafsir al-Mathur (The Scattered Pearls in the Interpretation of Verses through Narrations), Qom: Ayatollah Mara'shi Najafi Library, ۱۴۰۴ AH (۱۹۸۴ CE).
۳۶. Tabarsi, Fadl bin Hassan, Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran (The Compilation of Clarifications in the Interpretation of the Quran), Beirut: Mo'asseseh Al-A'lami Publications, ۱۳۶۰ AH (۱۹۸۱ CE).
۳۷. Tabatabai, Mohammad Hossein, Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (The Scale in the Interpretation of the Quran), Beirut: Mo'asseseh Al-A'lami Publications, ۱۴۱۷ AH (۱۹۹۶ CE).
۳۸. Tabrizi, Javad, Minhaj al-Salihin (The Path of the Righteous), Qom: Majma al-Imam al-Mahdi (a.s.), ۱۴۲۶ AH (۲۰۰۵ CE).
۳۹. Tusi, Mohammad bin Hassan, Al-Khilaf (The Discrepancy), Qom: Mo'asseseh Nashr al-Islami, ۱۴۱۶ AH (۱۹۹۶ CE).
۴۰. Tusi, Mohammad bin Hassan, Al-Nihayah fi Mujarrad al-Fiqh wa al-Fatawa (The End in Pure Jurisprudence and Fatwas), Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi, ۱۴۰۰ AH (۱۹۸۰ CE).
۴۱. Vahid Khorasani, Hussein, Minhaj al-Salihin (The Way of the Righteous), Qom: Imam Baqir (A.S.) Seminary School, ۱۴۲۸ AH (۲۰۰۷ CE).

۴۲. Wheelis, M. (۲۰۰۶), *Deadly Cultures: Biological Weapons Since 1945*, Harvard University Press.
۴۳. Zamakhshari, Jarallah Mahmoud bin Umar, *Al-Faiq fi Ghariib al-Hadith* (The Detailed in Uncommon Hadiths), Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, ۱۴۱۷ AH (۱۹۹۶ CE).
۴۴. Zare, Akbar, Niavirani, Saber, "Mamno'iyat Istifadeh az Shimyai dar Qamat Qayede Amira Beyn al-Melal dar Parto Guzaresh Commission Hoquq Beyn al-Melal darbare Qayede Amira (Prohibition of the Use of Chemical Weapons in the Context of the Ruling Rule in the Light of the Report of the International Law Commission on the Ruling Rule)", *Legal Research Quarterly*, Number ۹۱, pp. ۳۷۷-۴۰۰, ۱۳۹۹ SH (۲۰۲۰ CE).
۴۵. Ziyayi-Beygdeli, Mohammad Reza, *Hoquq Beyn al-Melal Umumi* (Public International Law), Tehran: Ganj Danesh, ۱۳۸۷ SH (۲۰۰۸ CE).